

مفهوم علم در تمدن اسلامی، روش علمی و پارادایم پیشرفت و انتقال علم در قرون وسطی، پیدایش و فضل تمدن مغربی اندلسی بر تمدن شرق اسلامی

دکتر محمد رضا شهیدی پاک^۱

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

چکیده

مفهوم علم در تمدن واژه کلیدی شناخت تمدن است و نقش کلبدی در پیدایش و توسعه و انتقال تمدن دارد. تمدن موضوعی با ماهیت علم است و تار و پود آن توسعه و انتقال علوم است. تمدن اسلامی از موجودات علمی است که دارای دو تاثیر است. تاثیر تاریخی و تاثیر پدیداری که در مواد متن و دانشمند ظاهر شده است. تاثیرات ابن سینا، رازی، ابن هیثم، خیام، فارابی، ابن رشد، محی الدین عربی، قصادی، و بسیاری از دیگر چهره های تمدن اسلامی در تاریخ علم جهانی مشهود است. بخشی از این تصویر مربوط به تمدن اسلامی در غرب اسلامی است که امروز در محافل شرق شناسی که مهمترین موضوع اصلی و از اصول موضوعه آن، تحقیق در پدیدار تمدن اسلامی است در جریان است، این پژوهش ثابت می کند که تمدن اسلامی پدیداری غربی نیست و واقعیت تاریخی است که حداقل چهار قرن از عمر مفید تاریخ علم جهانی و زندگی علمی انسان را رقم زده است. سوال این است که این حافظه تمدنی به عنوان واقعیت اصیل اسلامی تاثیر می کند و یا با عنوان موجودی پدیداری که ذهن خاورشناس پس از ششصد سال کار علمی در ماده تمدن اسلامی خلق کرده است؟ کار سترگ فارابی، رازی، ابن خلدن در تمدن و علم نگاری قرن ها پیش از شرق شناسان این فرضیه را ثابت می کند که تمدن اسلامی واقعیت اصیل اسلامی است. ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲) پرچمدار نمونه متکامل تمدن نگاری در جهان و ثمره تمدن اسلامی در نمونه غربی آن در مقدمه تمدن اسلامی را از عهد پیامبر (ص) که عهد نخستین علم گرایی است تا قرن نهم هجری بیش از هشت قرن تجارب علمی بشر در قرون وسطی را با رویکرد علم به مفهوم ساینس گزارش کرده است. او مانند رازی لکن یکصد و هشتاد سال بعد علوم در تمدن اسلامی را با بیان عقل تجربی و با عنایت به جدایی اساسی علوم در روش و غایات دسته بندی کرده است و به شکلی با تاریخ به عنوان علم عمران و با توجه به مفهوم علم به معنی ساینس شروع کرده است و به جدایی علم از خرافه و تحول آن در تمدن اسلامی تصریح نموده است. در عصر حاضر مرحوم زرین کوب در بررسی سیزده علم اسلامی با رویکرد ساینس تصریح کرده است که تمدن اسلامی راه تحقیق و ابتکار را بر فراز میراث یونان ایران و هند گشود. در بین خاورشناسان معاصر که گرایش وسیعی به گزارش و وصف پدیده تمدن اسلامی در قرون وسطی از خود نشان داده اند، سارتن در اول قرن بیستم در تاریخ علم جایگاه تمدن اسلامی در تاریخ ساینس را به طور جزئی و مبسوط دسته بندی کرده است و بویژه هونکه است که در سراسر کتاب فرهنگ اسلام در اروپا علم به مفهوم ساینس را از تمدن اسلامی تا *رئسانس* اروپایی با بیان چندین علم تجربی، دنبال کرده است. مفهوم علم در تمدن اسلامی همان میراث کلاسیک تمدن روم یونان و *اسکندریه* و ایران است که این مفهوم عامل بنیاد و توسعه و انتقال و پذیرش بین این تمدن ها بوده است. *رننتال* و زرین کوب و سارتن و هونکه بر همین مفهوم علوم اسلامی را معرفی کرده اند. به نوشته رننتال پذیرش میراث کلاسیک

یونان بوسیله مسلمین ریشه تاریخی در شکل گیری ابتدایی مفهوم علمی بین مسلمانان است که باعث نوزایی یونانی - عربی شده است و متعاقب آن پذیرش تمدن هند و ایران رخ داده است و تمدن اسلامی بدون میراث یونانی وجود خارجی نداشت. این روح علمی در جامعه اندلسی توسعه یافت به شکلی که در زمان پیدایش تمدن اسلامی در غرب اسلامی که نمونه متکامل شرقی آن است تاریخ تمدن شاهد ابن سینای دوم رازی دوم، خیام دوم، متنبی مغرب، ابن عطیه، ابن هشام، در پزشکی، نجوم، ریاضیات، شیمی و ادبیات و تفسیر و فقه است و آثاری با عناوین فضل تمدن اندلسی بر تمدن شرقی تدوین شد، فضل تمدن اندلسی بر تمدن شرقی تشدید درجه علمی و شیوه های علمی است که برای انتقال علم از جمعیتی به جوامع دیگر از ضروریات است. پژوهش حاضر مهمترین مداخل تمدن برای اثبات این فرضیه را به شکل اجمالی از کتاب تاریخ تحلیلی اندلس و تاریخ تحلیلی مغرب (۱۳۸۹) و کتاب مطالعه تحلیلی فرهنگ و تمدن اسلامی در غرب اسلامی در قرون وسطی (۱۳۹۵) و مقاله پارادایم انتقال علوم از تمدن اسلامی از ایبری به اروپا در قرون وسطی است که در سمینار بین المللی کره جنوبی (۲۰۱۲) ارائه شده است، استخراج کرده است و آن ها را به صورت پژوهش حاضر تدوین نموده است. پژوهش یکی از ادوار بیست و پنج گانه تمدن را در مرحله ای فوق العاده از پایداری و توسعه علم در غرب اسلامی و انتقال آن به اروپا در قالب ارائه فرضیه اجتماعی نقش نفس انسانی در انتقال علوم در جوامع را بررسی کرده است.

واژه های کلیدی: آندلس، مغرب، تاریخ علم، مفهوم علم، پارادایم انتقال علم